

نظر شخصی

نشستن پای حرف‌های یک وکیل یا قاضی دادگستری در قالب یک برنامه تلویزیونی گفت‌وگو محور، معمولاً کار ساده‌ای نیست، مگر اینکه پاسخگوی یک دغدغه، نیاز و سؤال ذهنی از یک فرد باشد. اصولاً وقت‌گذرانی پای برنامه‌ای با کلی قوانین و تبصره از پرونده‌های قضایی فاقد جذابیت است. ولی به محض اینکه به آن شکل نمایشی بدهیم و طرفین دعوی برای آن تعیین کنیم، در کنار بار آموزشی از جذابیت نیز برخوردار می‌شود. دعوا و مشاجره لفظی میان دو یا چند نفر معمولاً توجه برانگیز است، تا جایی که می‌تواند ترافیک شهری هم راه بیندازد. با این شرایط دستور کار قرار دادن یک اختلاف و دعوی رخ داده در یک پرونده قضایی در فرمی نمایشی نیز به طور حتم جذابیت‌های خودش را خواهد داشت. مخصوصاً اگر نمایشی نزدیک به واقعیت باشد؛ مشابه آن چیزی که در مجموعه «آقای قاضی» نیز شاهدش هستیم. البته شاید این مجموعه با روایت و شکل مستندتر در اجزای ساختاری (از صحنه‌گردانی گرفته تا فیلمبرداری) موفق‌تر نیز می‌بود اما تا همین جا هم قدم مثبتی است. عامل توفیقش نیز نمایش باورپذیر و نزدیک به واقعیتی است که حکایت از احاطه کارگردان بر کارش و بازی گرفتن از بازیگران کم‌نام‌ونشان آن دارد. در واقع این اثری است که علاوه بر انتخاب موضوع دعوی، به شدت وابسته به کیفیت اجراست. چنان که در این مجموعه شاکای و متشاکای بنا بر سطح فکری، اجتماعی و انسانی‌شان به شکلی کاملاً متقاعدکننده و باورپذیر به بحث و مشاجره برای گرفتن حق خویش می‌پردازند، گویی نه با یک بازی و نمایش که با یک واقعیت تصویری از آدم‌های حاضر در دادگاه طرفیم. مثل عالم واقع آنها در حرف هم می‌پرند و برای فریب قاضی نقش بازی می‌کنند و به دروغ متوسل می‌شوند تا نجات پیدا کنند. از طرفی به نوعی با اثری معمایی نیز طرفیم که پای قضاوت بیننده را هم وسط می‌کشد و او را وارد چالش انتخاب حق از ناحق و همچنین سنجش و تخمین اندازه عدل، انصاف و قوه تشخیص خویش می‌کند.

چهره شاخص

بهزاد خلج گرداننده، مجری و قاضی دادگاه سربال «آقای قاضی» است و تنها بازیگر ثابت کار. اگر او را برگ برنده سربال ندانیم، بی‌انصافی کرده‌ایم چرا که نبض کار در اختیار اوست و محرک روایت، مخصوصاً در مواقعی است که سربال از جدیت لازم دور و نیازمند به تغییر ریتم می‌شود. نقطه قوت خلج نیز لحن یکنواخت لازم در سراسر سربال و همچنین کلی کنش و واکنش اصیل و غیرقابل پیش‌بینی و به‌شدت نزدیک به پدیده با اجرایی شبه‌مستند است.



در این مجموعه شاکای و متشاکای بنا بر سطح فکری، اجتماعی و انسانی‌شان به شکلی کاملاً متقاعدکننده و باورپذیر به بحث و مشاجره برای گرفتن حق خویش می‌پردازند، گویی نه با یک بازی و نمایش که با یک واقعیت تصویری از آدم‌های حاضر در دادگاه طرفیم

بهزاد خلج: «شخصیت‌ها الزاماً نه کاملاً سیاه هستند و نه کاملاً سفید بلکه خاکستری‌اند. این در مورد تمام شخصیت‌ها صدق می‌کند. البته هر چه زمان جلوتر می‌رود سرعت زندگی بیشتر شده و شخصیت‌ها پیچیده‌تر می‌شوند. برای من خیلی مهم بود که قاضی‌ای را بازی کنم که گاهی خوب است و گاهی هم بد. گاهی زور می‌گوید، گاهی خشمگین می‌شود، گاهی انتقام می‌گیرد، گاهی رتوف است و بخشنده. وقتی با قضات صحبت می‌کردیم می‌گفتند آن‌ها هم ترس‌هایی دارند و اشتباهاتی می‌کنند. گاه وقتی به خانه می‌روند به این فکر می‌کنند که آیا تصمیم‌شان درست بوده یا نه. چیزی که در شخصیت قاضی خیلی مهم بود این بود که این آدم یک انسان است. برایم خیلی مهم بود که این «انسان» را بازی کنم. اما این نکته را هم مورد توجه قرار دادیم که این قاضی چگونه «باید باشد» و چه چیزی «نباید باشد». الان در برخی از نظرات به ما می‌گویند که مگر یک قاضی این قدر لبخند می‌زند؟ در عین حال که این قاضی باید یک انسان واقعی می‌بود، باید چیزهایی را به او اضافه هم می‌کردیم. باید این نکته را منتقل می‌کردیم که اصلاً ایرادی ندارد که قاضی گاهی اوقات لبخند بزند. هیچ ایرادی ندارد که در حین کار قهوه هم بخورد. مگر قهوه خوردن جرم است؟ همین نکته برای عده‌ای عجیب بود. این موارد را بیشتر سجاد و آقای مرادی مدیریت کردند.» منبع: روزنامه صبا

سجاد مهرگان: «خیلی از این پرونده‌ها را از قضات برجسته در قوه قضاییه گرفتیم. در روزهای اول وقتی از آن‌ها درخواست پرونده‌های جذاب می‌کردیم، به خاطر فضای سازی رسانه‌ای پرونده‌هایی در مورد (مثلاً) تجاوز به ما معرفی می‌کردند، اما می‌گفتیم این‌ها موضوعات «حاد واقعتی» هستند. درست است که در جامعه رخ می‌دهند و نمی‌شود انکارشان کرد اما در عین حال موضوعات تکرار شونده و اساسی برای جامعه نیستند. بیشتر موضوعات پیش‌آمده، خیلی ساده‌اند و ممکن است اصلاً به آن‌ها توجه نکنیم اما در زندگی مان وجود دارند. من چیزی حدود ۳۰۰ پرونده را برای ساخت این سربال خواندم. صادقانه بگویم که جذاب‌ترین موارد، همان موضوعات زمینی و عمومی هستند. موارد دیگر، موضوعات عموماً حادی هستند که بیشتر گزاره خبری‌اند و زیبایی‌شناسی ندارند. چیزی از خرده‌فرهنگ‌ها در آن‌ها نیست. آن موارد بیش از آن که روی فطرت انسان تمرکز کنند روی امیال حیوانی تمرکز می‌کنند و بنابراین موارد حاد غیر انسانی هستند. سینمای ایران متأسفانه خیلی روی این موارد تمرکز می‌کند. البته نمی‌گویم نباید چنین باشد اما این که با این حجم به این موارد می‌پردازیم محل بحث است.» منبع: روزنامه صبا

است از ایرادات مجموعه مورد اشاره. «منبع: خبر آنلاین»
سمیرا مقدسی (وکیل دادگستری و مشاور حقوقی): «آقای قاضی» نقطه عطف برنامه‌های آموزشی - حقوقی است و فکر می‌کنم اولین برنامه‌ای است که به صورت دیالوگ به آموزش مسائل حقوقی می‌پردازد. البته پیش از آن برنامه‌های آموزشی - حقوقی دیگری در شبکه سه یا پنج داشتیم که با سؤال و جواب پیش می‌رفت و مسائل حقوقی در آن بیان می‌شد اما چون سؤال و جواب جنبه آموزش مستقیم دارد، اثرگذاری مورد نظر را روی مخاطب نخواهد داشت، برخلاف آن برنامه‌ها مخاطب حین دیدن «آقای قاضی» حواسش به سربال است و نمی‌خواهد چیزی یاد بگیرد و حتی مبنای فیلم نیز بر اساس آموزش مستقیم به مخاطبان نیست بلکه ما به صورت غیر مستقیم از آن یاد می‌گیریم. این بهترین رکن سربال «آقای قاضی» است. بیننده، شخصیت آقای قاضی را شجاع، قوی، با علم بالا، دلسوز، پیگیر و هر آن‌چه را که تماشاگر از شخصیت یک قاضی انتظار دارد، در این سربال شاهد است. این مسأله باعث می‌شود نوجوان‌ها و جوان‌هایی که هنوز وارد رشته خاصی نشده‌اند به سمت شغل قضاوت کشیده شوند... شخصیت آقای قاضی با واقعیت کمی تفاوت دارد و انتقاد برخی از وکلا و حقوقدان‌ها به «آقای قاضی» بر همین اساس است... همچنین آن‌طور که صحنه دادگاه را در سربال «آقای قاضی» می‌بینیم با واقعیت تناقض دارد. اما سربال است نمی‌تواند دقیقاً حقیقت را بازنمایی کند بلکه با هنر، فکر و خلاقیتی که دارد می‌خواهد پشت برنامه نمایشی، حرفی بزند. سربال سازی همین است، می‌تواند قسمت‌هایی از واقعیت را نشان دهد اما اصل قضیه یعنی آموزش حقوق و پیشگیری را به خوبی نمایش داده است.» منبع: خبرگزاری تسنیم

نظر عوامل

سجاد مهرگان: «ما در ایران سربال درام دادگاهی و حقوقی نداشتیم. بنابراین همین موضوع کار ما را سخت‌تر می‌کرد که برای نخستین قدم سعی کنیم هم یک کار خوش ساخت بسازیم و هم این که پرونده‌ها به لحاظ حقوقی هم درست روایت شود. گرچه نمونه‌های خارجی با این موضوع تولید شده اما به دردمان نمی‌خورد، زیرا قوانین حقوقی قضایی ما و سلیقه مردم برای تماشای چنین آثاری متفاوت است. بنابراین نمی‌خواستیم کاری بسازیم که مخاطب دوست نداشته باشد. بنابراین الهام از کار خارجی نگرفتیم... با خیلی از اساتید فیلمنامه‌نویسی صحبت کردیم زیرا بین درام جنایی و درام قضایی تفاوت وجود دارد. ما در ایران تجربه درام جنایی را داشتیم اما درام قضایی را کار نکرده بودیم.» منبع: روزنامه جام جم